خانواده متعالی در سایه حاکمیت حقوق عاطفی

دکتر غلامعلی افروز[1]

چکیده

خانواده تنها نهاد فطری، طبیعی، بی‌بدیل و جاودانه انسان است. چرایی و ضرورت اولیه پدیدآیی همه نهادها و سازمانهای اجتماعی برای استقرار و تحکیم خانواده‌ها بوده است. خانواده پرقداست‌ترین نهاد هستی است، چرا که خالق مهربان، فلسفه خلقت همه شگفتیهای هستی را بر زوجیت استوار کرده است. از همین رو پیامبر محبوب خدا، حضرت محمد(ص)، پس از بنای نخستین مسجد در شهر مدینه، در جمع مسلمانان حاضر در مسجد فرمودند: «از منظر من محبوب‌ترین بنای هستی خانواده است». این کلام حکیمانه پیامبر رحمت، بدان معناست که خانواده کانون محبوبان است و بایسته و سزاوار آن است که همیشه شاهد حضور محبوبان آرامش‌آفرین در خانواده باشیم. اگر بر این حقیقت باور داشته باشیم که غایت ازدواج دستیابی به آرامش و تجربه خوشبختی حقیقی است، رسالت اصلی زن و شوهر، در هر شرایطی، اندیشه و پاسداری از موهبت آرامش و مهارت آرامش‌آفرینی در کانون پرقداست خانواده است. بی‌شک، ایفای چنین رسالت سترگ و خطیری، با رفتار پرمحبت و رحمت، یعنی با گذشت و ایثار، صداقت و شجاعت و عدالت، صبوری و احسان و ابراز همیشهٔ گل واژه‌های عاطفی، تأیید و تکریم، ترغیب و تشویق و حاکمیت حقوق عاطفی متقابل همسران و فرزندان مقدور خواهد بود. زن و شوهر همواره حق دارند و نیاز که محبوب و معشوق هم باشند، فرزندان حق دارند پدر و مادر خود را از سویدای دل دوست داشته باشند و حق دارند پدر و مادر عزیزشان دوست‌داشتنی و محبوب باشند و حق دارند قلباً باور داشته باشند که مادر همواره محبوب‌ترین پدر است و پدر همیشه محبوب‌ترین مادر است. همین است که اندیشه به غایت ازدواج و تلاش بی‌وقفه در حاکمیت حقوق عاطفی همسران دل‌آرام و فرزندان در حریم مقدس خانواده، اصلی‌ترین سرمایه آرامش ماندگار، احساس امنیت روانی و شکوفایی و تعالی حیات است.

کلید واژگان: خانواده، حقوق، حاکمیت، عاطفی

تاریخ دریافت:۹۸/۱۱/۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۵

۱. استاد ممتاز دانشگاه تهران afrooz@ut.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.1.1.3]

مقدمه

شاکلهٔ اصلی شخصیت انسان در کانون خانواده شکل می‌گیرد. از منظر ارزشهای قرآنی شخصیت مطلوب انسان به مثابه شجرهٔ طیبه ای است که گونه ای توازن و تعادل در پیکره و شاخه‌های شکوفای آن به روشنی و وضوح مشهود است.

ریشه‌های رشد و تعالی چنین شخصیت و منش متعالی یقیناً در حریم پر قداست خانوادهٔ پویا، پرطراوت و پرعطوفت استحکام می‌یابد. از همین رو پیامبر خدا(ص)، می‌فرمایند: «فرزندان در هفت سال اول حیاتشان مهرطلب و محبت‌پذیرند، در هفت سال دوم آموزش پذیرند و آمیزه ای از دوران عطوفت‌طلبی و آموزش‌پذیری آنان را برای هفت سال سوم زندگی یعنی دوره مشورت‌پذیری آماده می‌نماید[۱]». به سخن دیگر، آنگاه که خمیرمایهٔ شخصیت کودکان در هفت سال اول زندگی با عطوفت و محبت و پیوندهای غنی عاطفی عجین گردد، با آرامش و نشاط و سرزندگی، آماده فعالیتهای شناختی و یادگیری آموزشهای آموزشگاهی می‌گردند.

دکتر گزل[۲] پدر روان‌شناسی کودک در ایالات متحده آمریکا با تجارب ارزشمند مطالعات بالینی با تأکید بر این مهم اظهار می‌دارد که «کودک در حدود پنج، شش سالگی، نسخه کوچک جوانی است که بعداً خواهد شد!». بدیهی است دکتر گزل درصدد انکار نقش تربیت در مراحل بعدی رشد و تحول آدمی نیست، بلکه مراد او از این سخن تأکید بسیار بر نقش تربیت در سنین کودکی و پیش‌دبستانی است. به طور کلی، بستر رشد و تحول کودکان در چنین دورهٔ خطیر و حساس و در عین حال ارزشمندی در کانون خانواده است، چرا که خانواده تنها نهاد فطری، طبیعی، بی‌بدیل و جاودانه انسان است. خانواده از نگاه ارزشهای دینی همانند باغ پرطراوتی است که در آن زنها/ مادرها باغبان این باغ هستند و شوهرها/ پدرها سنگربان[۳] و امنیت‌بخش وجود باغبان اند و فرزندان گلهای شکوفا و میوه‌های شیرین این باغ و بوستان زندگی محسوب می‌شوند. پرواضح است که سرچشمهٔ اصلی سلامت و تعالی جوامع انسانی و تعاملات اجتماعی خانواده است و بس.

خانواده اصلی‌ترین و پر برکت‌ترین نهاد هستی است. خانواده پرشکوه‌ترین جلوهٔ حیات و رساترین فلسفهٔ آفرینش است. همین است که پیامبر خدا(ص) آنگاه که مسجد را در مدینه بنا نمودند، در خانه خدا فرمودند: «از منظر من محبوب‌ترین بنای هستی خانواده است».[۴]

---

۱. الوَلَدُ سَیِّدٌ سَبعَ سِنِینَ وَ عَبدٌ سَبعَ سِنِینَ وَ وَزِیرٌ سَبعَ سِنِینَ(نهج الفصاحه)

2. Gesell

۳. الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ (قرآن کریم) شوهران سنگربان و آرامش‌آفرین وجود همسران خود هستند.

۴. نهج‌الفصاحه

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.1.1.3]

خانواده بر دو رکن اساسی زن و مرد یعنی زوجین بنا می‌شود و فرزندان، اگر باشند، مهمانان این خانواده خواهند بود تا با مشاهدهٔ مستقیم و غیرمستقیمِ تعامل آرامش‌آفرین پدر و مادر خود در کانون پرطراوت خانواده، راه و رسم و آیین زوجیت و زندگی مشترک را به نیکی بیاموزند و در ریعان جوانی آماده انتخاب همسری دل‌آرام و آرامشگر شوند[۱].

غایت ازدواج چیست؟[۲]

با نگاهی ژرف، به نیکی درمی‌یابیم که غایت یا هدف اصلی ازدواج دستیابی به آرامش و تجربهٔ خوشبختی است. در این میان، ارضای غرایز نفسانی در بستر مشروع آن، از تنهایی درآمدن، تشکیل خانواده دادن و فرزندآوری از نتایج قهری ازدواج است و نه هدف اصلی آن.

آرامش یعنی دل‌آرامی و برخورداری از احساس امنیت درونی، نشاط روانی و رضامندی حیاتی. آرامش مهم‌ترین ثروت و سرمایه حیات انسان است. آرامش باشکوه‌ترین زینت انسانهای محبوب و خلاق و خیرآفرین و بخشایشگر و متوکل است. آرامش فرش و عرش بهشت برین است. آرامش یعنی تجربه خوشبختی حقیقی و انسان خوشبخت کسی است که از سویدای دل احساس آرامش کند و همه وجودش مملو از نشاط معنوی و دل‌آرامی باشد.

خوشبختی مقصد نیست، بلکه مسیر حیات است. خوشبختی را نمی‌توان در گذشته‌ها جستجو کرد و یا در فرداهای نامعلوم به امید آن نشست! خوشبختی در لحظه‌های امروز معنا می‌یابد. دیروز تاریخ است و از تاریخ باید تجربه آموخت و از آن گذر کرد و در حسرت دیروز نماند. فردا راز ناگشوده است، به فردای بهتر باید امید داشت، اما به فرداهای دور و نامعلوم و رؤیاهای دست‌نایافتنی دل نبست. باید در حال زندگی کنیم و هر روز را که تجربه می‌کنیم هدیه خدا بدانیم و لحظه‌های آن را با غفلت و حسرت و ناسپاسی از دست ندهیم. پروردگار مهربان، انسان را به دو منبع فزایندهٔ آرامش، متنعم کرده است، اول یاد خدا[۳] و تلاش مستمر در جلب رضای خدا و دوم آرامیدن در کنار همسر دل آرام.

با عنایت به آنکه غایت اصلی ازدواج رسیدن به آرامش و تجربه کمال خوشبختی است، بالطبع معقول‌ترین انتظار از ازدواج آن است که زوجین با درک این حقیقت، با همهٔ وجود، در همهٔ شرایط و موقعیتها آرامشگر، رامشگر و نوازشگر وجود یکدیگر باشند. درحقیقت اصلی‌ترین رسالت

---

۱. باید توجه داشت که فلسفه خلقت الهی بر زوجیت استوار است و خالق زوج‌آفرین همه هستی را همزمان زوج می‌آفریند. همه فرزندان با قابلیت زوجیت، بالقوه به‌صورت عروس و داماد پای به عرصه وجود می‌گذارند.

۲. قرآن کریم این معنا را به زیبایی تبیین می‌نماید.

۳. أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ(قرآن کریم) دل آرام گیرد به یاد خدا.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.1.1.3]

همسران فهیم و بصیر آن است که با مودّت و رحمت، آرامش‌بخش وجود همدیگر باشند. لذا صِرف زندگی مشترک یعنی زیر یک سقف بودن، هم‌خانگی، تمکین جنسی و اعطای مهریه و تأدیه نفقه و اجرت‌المثل و تأمین هزینه‌های زندگی و پرداختن به امور خانه و رعایت حقوق فقهی و توجه به ظواهر شرعی، ضرورتاً نمی‌تواند به معنای ایفای رسالت آرامشگری و آرامش‌آفرینی متقابل باشد.

باید اذعان داشت که همه زنها و شوهرها در حسن تأمین نیاز همدیگر به آرامش و آرامشگری نیازمند توجه خاص به حقوق متقابل عاطفی‌اند. بی‌شک بدون حقوق عاطفی نمی‌توان به گونه ای که بایسته و شایسته است از ارمغان آرامش، این موهبت گرانقدر عرشی بهره‌مند شد. لازمهٔ آرامش‌آفرینی در کانون خانواده تأمین حقوق عاطفی متقابل است. فراهم نمودن تسهیلات رفاهی در خانواده شاید چندان امر دشواری نباشد، لیکن حاکم کردن اندیشهٔ فلاح و آرامش در کانون خانواده و ایفای متعهدانه نقش امنیت‌آفرینی و آرامشگری در حریم خانواده، رسالتی بس سترگ به شمار می‌آید.

قدر مسلّم، حاکمیت حقوق عاطفی در حریم مقدس خانواده، فقط با باور قلبی و تقید و تعهد به معنا، مفهوم و مؤلفه‌های حقوق عاطفی متقابل، با اندیشه آرامش‌آفرینی، مثبت‌اندیشی و امیدبخشی، بخشایشگری، تألیف قلوب، گشاده‌رویی، نگاه پرمهر و کلام نوازشگرانه و رفتار پرجاذبه حمایتی و رامشگرانه در کانون خانواده و روابط زوجین محقق خواهد شد.

مبانی روان‌شناختی حقوق عاطفی

در حقیقت حقوق عاطفی یعنی پاسخ مطلوب و آرامش‌بخش به اصلی‌ترین ویژگیها و نیازهای روانی و عاطفی دیگران در حریم ارزشهای دینی و فرهنگی. بدیهی است که در کانون پرطراوت خانواده، حاکمیت حقوق عاطفی یعنی مقید بودن زوجین به تأمین بایسته حقوق عاطفی متقابل و تعمیق و غنای پیوندهای خوشایند روانی و توجه ویژه و متعهدانه به نیازهای مستمر عاطفی همدیگر در همه شرایط و موقعیتها و عنایت خاص به تعامل صبورانه، عاطفی، منطقی و آرامشگرانه با فرزندان و نزدیکان.

مبانی نظری و مؤلفه‌های روان‌شناختی حقوق عاطفی همسر و فرزندان در کانون پر مهر خانواده بر ویژگیها و نیازهای فطری و طبیعی ایشان استوار است. اگر این نیازهای فطری در حریم خانواده به شایستگی مورد توجه قرار نگیرند و به نحو مطلوب در شرایط و موقعیتهای گوناگون تأمین

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.1.1.3]

نشوند، یقیناً نمی‌توانند بیرون از حریم خانواده به گونه‌ای که انتظار می‌رود مورد توجه و عنایت قرار گیرند.

بی‌تردید، چنانچه بخش قابل‌توجهی از نیازهای و حقوق عاطفی اعضای خانواده مورد غفلت قرار گیرد، به‌تدریج پیامدهای ناخوشایند زیستی، شناختی، روانی و اجتماعی آن در شاکله شخصیتی و رفتارهای فردی و اجتماعی همسران و فرزندان مشهود خواهد شد. باید اذعان داشت که خلأهای عاطفی، درگیریهای فکری و نا امنی روانی از اصلی‌ترین علل آسیب پذیریهای فردی و کژرویهای اجتماعی در نوجوانان است.

اساسی‌ترین ویژگیهای روان‌شناختی و نیازهای فطری و عاطفی کودکان و بزرگسالان در گسترهٔ جهان که توجه به آنها در تعاملات میان- فردی کاملاً ضروری و عقلانی است، عبارت اند از:

- همهٔ انسانها، اعم از کودکان و نوجوانان، بزرگسالان و سالمندان فطرتاً محبت‌پذیر و اخم‌گریزند، تکریم‌طلب و تحقیرستیزند، تأییدطلب و تکذیب‌گریزند، ترغیب‌طلب و تهدیدگریزند، تشویق‌پذیر و تنبیه‌ستیزند.
- همهٔ انسانها، خردسالان و بزرگسالان ، دوست دارند و البته نیازمندند که دیگران با واژه‌ها و رفتارهای محبت آمیز با ایشان در تعامل باشند و هرگز با چهرهٔ پرخشونت و غضب‌آلود و زبان تند با آنها رفتار نشود.
- همهٔ کودکان و بزرگسالان خود را محق می‌دانند که در تعامل با دیگران مورد تأیید قرار گیرند[1] و هرگز با رفتار و زبان تکذیب با آنان برخورد نشود.
- همهٔ کودکان و بزرگسالان دوست دارند و خود را شایسته و محق می‌دانند که همواره مورد تکریم دیگران قرار گیرند و هرگز در شرایط و موقعیتهای خاص تحقیر نشوند.
- همهٔ کودکان و بزرگسالان دوست دارند و خود را سزاوار و محق می‌دانند که همیشه رفتار ایشان مورد ترغیب دیگران قرار گیرد و هرگز تهدید نشوند، زیرا زبان تهدید، اضطراب آدمی را مضاعف می‌کند.
- همهٔ کودکان و بزرگسالان دوست دارند که همواره رفتارهای مطلوب و تلاشهای مبذول ایشان مورد تحسین و تشویق اولیا و مربیان، مدیران و کارفرمایان مهربان و بصیر و فهیم قرار گیرد و هرگز با واکنشهای هیجانی و رفتارهای غیرعقلانی تنبیه نشوند!

۱. بدیهی است مراد از تأیید، تأیید و تأکید بر ویژگیها و رفتارهای مقبول و مطلوب است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.1.1.3]

و آن‌گاه که داوطلبان ازدواج با انگیزه و هدف دستیابی به آرامش و تجربه خوشبختی زوج خود را انتخاب می‌کنند و خانوادهٔ جدید را بنا می‌کنند، بدون تردید، دوست می‌دارند با خوشایندترین و پر جاذبه‌ترین کلام و رفتار آرامشگرانه و نوازشگرانه با همدیگر در تعامل باشند. در واقع، آنچه می‌تواند در روابط زنها و شوهرها آرامش حقیقی و احساس امنیت روانی و نشاط معنوی را نهادینه کند و بر صلابت و استحکام و ماندگاری خانواده بیفزاید، همانا توجه و تقید به حقوق متقابل عاطفی است.

با نگاهی محققانه به ریشه‌های اصلی همسرگریزی، همسرستیزی و طلاق، به درستی در می‌یابیم که اصلی‌ترین دلایل زوجهای متقاضی جدایی در مجتمعهای قضایی خانواده از دست دادن احساس آرامش و امنیت روانی است. به سخن دیگر مؤلفه‌های عاطفی و روانی، ناخوشایندیهای رفتاری و ناخرسندیهای روانی–جنسی اصلی‌ترین عوامل طلاق در ایران و گسترهٔ جهان هستند. بنابراین تقویت جاذبه‌های عاطفی و روانی و حاکمیت حقوق عاطفی در کانون خانواده، لازمهٔ محقق شدن غایت ازدواج و دستیابی به آرامش و تجربه خودسنجی حقیقی است. در این معنا زنها و شوهرها حق دارند همیشه و در همه موقعیتها، در سفر و حضر، در خانواده و خارج از خانواده برای همدیگر محبوب‌ترین باشند و از صمیم قلب همدیگر را دوست بدارند.

زنها و شوهرها حق دارند همیشه برای همدیگر تن‌پوش روانی و جنسی باشند[۱]، گرمابخش وجود هم باشند و کاستیها و قصور همدیگر را بپوشانند و تکریم‌کننده شخصیت همدیگر باشند. در همه شرایط برای همدیگر بهترین، مهربان‌ترین، همرازترین و محرم‌ترین باشند. زنها و شوهرها حق دارند در همهٔ ایام در گسترهٔ هستی در آغوش عاطفی و روانی همدیگر و همواره با طهارت نفسانی[۲]، بهترین برای یکدیگر باشند و پاک‌ترین بمانند. زنها و شوهرها حق دارند با کلام و نگاه و رفتار پرمحبت[۳]، همواره با گذشت، ایثار، صداقت، شجاعت، عدالت و صبوری و احسان با همدیگر در تعامل باشند.

از دیگر حقوق عاطفی زنها و شوهرها آن است که همواره مناسب ترین، مقدورترین، بایسته‌ترین، پرجاذبه ترین هیأت ظاهر و آراستگی را در کانون خانواده برای همدیگر داشته باشند. زنها و شوهرها حق دارند، همیشه با مثبت‌اندیشی، گشاده‌رویی، امیدبخشی، بخشایشگری،

۱. هُنَّ لِباسٌ لَکُمْ وَ أَنْتُمْ لِباسٌ لَهُنَّ (قرآن کریم)

۲. الطَّیِّبَاتُ لِلطَّیِّبِینَ وَالطَّیِّبُونَ لِلطَّیِّبَاتِ(قرآن کریم)

۳. محبت، در منظر ارزشهای روان‌شناسی دینی، یعنی گذشت، ایثار، صداقت، شجاعت، عدالت، صبوری و احسان.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.1.1.3]

خیرآفرینی، اندیشه تألیف قلوب، تلاشمداری و توکل به حکیم قدیر و حکیم رحیم با یکدیگر در تعامل باشند و از بدبینی و بدزبانی، منیت و کینه‌ورزی، یأس و ناامیدی و نتیجه‌زدگی پرهیز کنند.

زنها و شوهرها حق دارند با تأکید بر حقوق عاطفی متقابل، همیشه با نگاه پرمهر و زبان پرجاذبه با اندیشه آرامش‌آفرینی از بیشترین واژه‌های محبت‌آمیز و نوازنده در ارتباط با همدیگر بهره‌بگیرند و از تندزبانی و دروغ و تحقیر و تهدید و تغیّر به دور باشند.

زنها و شوهرها حق دارند در همه موقعیتها با هم‌اندیشی و همدلی شاهد زیباترین، خوشایندترین و ارزشمندترین رفتارهای فردی و میان- فردی همدیگر در کانون خانواده باشند.

در نهایت، از طبیعی‌ترین حقوق عاطفی زنها و شوهرها آن است که با همهٔ جاذبه‌های زیستی، شناختی ، روانی و عاطفی و رفتاری و نفسانی متقابل، در تحقق بخشیدن به غایت زوجیت، یعنی نیل به آرامش پایدار، همواره آرامشگر، نوازشگر و رامشگر همدیگر بوده و در یک جمله مطلوب و محبوب یکدیگر باشند و در محبوب نمودن یکدیگر نزد فرزندان و خویشاوندان و نزدیکان از هیچ کوششی فروگذار نباشند[۱].

فرزندان حق دارند در کانون خانواده زیباترین و خوشایندترین گل واژه‌های محبت را بشنوند و همواره شاهد کریمانه‌ترین، زیباترین و پرجاذبه‌ترین رابطه‌ها میان والدین خود باشند.

فرزندان حق دارند پدر و مادر خود را با همه وجود دوست داشته باشند و از دلبستگی امنیت‌آفرینی که نسبت به پدر و مادر خود پیدا می‌کنند، احساس نشاط و سرزندگی کنند.

فرزندان حق دارند پدر و مادر خود را دوست داشته باشند و پدر و مادرشان دوست داشتنی و محبوب دل ایشان باشد. فرزندان دوست دارند و حق دارند که شخصیت پدر و مادرشان آمیزه ای از عطوفت، محبت، منطق و استواری باشد و محبوب قلبهای پاک آنان باشند[۲].

بدیهی است، زبان گله، زبان غیبت، زبان منت، موعظه‌های زبانی مکرر، فراوانی واژه‌های انضباطی، زبان تحقیر و تکذیب ، محبوبیت والدین را نزد فرزندان به حداقل می‌رساند. برای تحقق بخشیدن به این حق طبیعی فرزندان، پدر می‌بایست همیشه در حضور یا غیاب مادر، شخصیت مادر را برای فرزندان محبوب نماید و مادر نیز در همه موقعیتها زیباترین تصویر را از شخصیت پدر برای فرزندان ترسیم نماید تا محبوبیت پدر روز افزون شود. در واقع، توجه به این مهم، یعنی

۱. بعد از خالق یکتا نزدیک‌ترین و همرازترین زنها و شوهرها همسر ایشان است و البته پدرها و مادرها مکرم‌ترین و قابل‌احترام‌ترین انسانهایند.
۲. واقع این است که فرزندان والدین محبوب را عمیقاً دوست دارند و با آنان همدلی و همانندی می‌کنند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.1.1.3]

محبوب شدن والدین نزد فرزندان، سلامت عاطفی و روانی و نشاط معنوی فرزندان را مضاعف و قدرت خلاقیت آنان را بیشتر می‌کند.

از جمله حقوق عاطفی فرزندان آن است که فرزندان از محبت و عشق پدر نسبت به مادرشان و از علاقه و شیفتگی مادر نسبت به پدرشان اطمینان قلبی داشته باشند. بچه‌ها دوست دارند یقین داشته باشند که دوستی و محبت و عشق حقیقی و متقابل والدین آنها همواره پرفروغ و پایدار و جاودانه است و این حق عاطفی فرزندان و سرمایهٔ سلامت روان، پویایی اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و موفقیتهای حرفه ای و ازدواج به هنگام و پایدار آنان است.

از جمله حقوق عاطفی فرزند بزرگ‌تر، دختر یا پسر، آن است که در تأیید و تکریم حق تقدم داشته باشد[۱]. شایسته و بایسته آن است والدین به گونه ای با فرزندان در تعامل باشند که بزرگی و منش کریمانه فرزند ارشد مورد اذعان و تأیید کوچک‌ترها قرار گیرد ولو اینکه فرزند ارشد چند دقیقه زودتر متولد شده باشد. لذا، توجه به دیدگاهها و نیازهای فرزند بزرگ خانواده می‌بایست در اولویت باشد.

همه سخن آن است که با نگاهی دوباره به فلسفه و غایت ازدواج در گستره جهان، به نیکی به این ضرورت فطری و عقلانی اذعان کنیم که بایسته است ازدواج شرعی، فقهی، قانونی و عرفی خودمان را با ازدواج عاطفی، کامل و پرمعنا کنیم.

بازشناسی مؤلفه‌های حقوق عاطفی و تعهد دوبارهٔ همه ما به حاکم کردن ارزشهای عرشی و ماندگار حقوق متقابل عاطفی در فضای پرطراوت خانواده یقیناً وجوب عینی دارد.

در عصر حاضر، در گستره جهان، همه زوجهای فهیم و بصیر بیش از هر زمان دیگر نیازمند تقید و تعهد به رعایت حقوق عاطفی در حریم خانواده اند. بدون شک با تقید به حسن تأمین حقوق عاطفی همسر و فرزندان، غالب کاستیها و خلأهای عاطفی و روانی که زمینه‌ساز بسیاری از اختلالات روانی و کژیهای اجتماعی است، ترمیم و درمان خواهد شد.

۱. حسادت فرزندان کوچک به فرزند بزرگ خانواده چندان جدّی نیست و ماندگار نخواهد بود، لیکن متأسفانه حسادت فرزند بزرگ‌تر نسبت به برادر/خواهر کوچکتر در غالب موارد جدّی و ماندگار است و گاهی می‌تواند در آینده، روابط خویشاوندی ایشان را متأثر و ناخوشایند کند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.1.1.3]

منابع

قرآن کریم. (۱۳۹۰). ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی. تهران: انتشارات دارالقرآن.

افروز، غلامعلی. (۱۳۹۱). *مشاوره: پرسش‌ها و پاسخ‌ها*. انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.

_____. (۱۳۹۲). *مبانی روان‌شناختی احساس آرامش و تجربه خوشبختی*. تهران: انتشارات یسطرون، چاپ دوم.

_____. (۱۳۹۴). مباحثی در *روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان*. تهران: انتشارات اولیا و مربیان، چاپ دهم.

_____. (۱۳۹۴). *مبانی روان‌شناختی رابطه زن و شوهر از منظر پیامبر اعظم* حضرت محمد *(ص)*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم.

_____. (۱۳۹۵). *روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری*. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ ششم.

غررالحکم و دررالکلم آمدی. (۱۳۸۵). شرح و ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم.

نهج‌الفصاحه. (۱۳۸۰). ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات جاویدان.

Gessel, A. (1956). *The Child from five to ten*. Harper Collins, New Haven, USA.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.1.1.3]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.1.1.3]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]